

ارزشیابی عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران

محمد آتشک*

چکیده: هدف تحقیق حاضر ارزشیابی تحقق عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف ملی و بین‌المللی است، تحقیق از نوع ارزشیابی است و روش تحقیق تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۰ است. نتایج حاکی از آن است که در مجموع در گروه‌های سنی تا ۳۴ سال در نقاط شهری در گروه‌های سنی تا ۳۹ سال و در نقاط روستایی در گروه‌های سنی تا ۲۴ سال، عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد و بیشترین بی‌عدالتی‌های آموزشی در گروه‌های عمده سنی بالاتر از ۳۵ سال مشاهده می‌شود. همچنین تحلیل مقاطع مختلف تحصیلی اشاره به آن دارد که در مقطع ابتدایی عدالت جنسیتی در آموزش حاصل شده است و در مقاطع راهنمایی، متوسطه و آموزش عالی، بی‌عدالتی به ضرر دختران و تنها در دوره پیش دانشگاهی بی‌عدالتی به ضرر پسران وجود دارد. **واژگان کلیدی:** آموزش، ارزشیابی، بی‌عدالتی جنسیتی، داده‌های سرشماری ۱۳۹۰، عدالت جنسیتی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* مربی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

۱. مقدمه و طرح مسأله

نگاهی گذرا به تلاش‌های جهانی حاکی از آن است که تا به امروز اعلامیه‌ها، معاهده‌ها و کنوانسیون‌های فراوانی به منظور تأکید بر حق برخورداری افراد از آموزش اجباری، رایگان و حمایت از آنها در مقابل همه اشکال غفلت، بی‌توجهی و بی‌عدالتی در زمینه آموزش صادر شده است، اما شواهد حاکی از آن است که هنوز عدالت جنسیتی در دسترسی به آموزش حاصل نگردیده است، بدین جهت در سال ۲۰۰۰ در اجلاس جهانی آموزش در داکار^۱ سنگال کشورهای عضو (از جمله ایران)، متعهد به اجرای برنامه «آموزش برای همه»^۲ گردیدند، در این برنامه مقرر گردید تا سال ۲۰۱۵ عدالت جنسیتی در دسترسی به آموزش محقق گردد [۱۱]. بلافاصله سند دیگری با عنوان آرمان‌ها و اهداف توسعه هزاره^۳ در سازمان ملل به تصویب اعضا (از جمله ایران) رسید که یکی از اهداف آن، حذف بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش ابتدایی و راهنمایی تا سال ۲۰۰۵ و در تمام سطوح تحصیلی تا سال ۲۰۱۵ بوده است [۲۷ و ۴۱]. البته بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی، دولت ایران موظف شده است تا وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت (بدون توجه به جنسیت) تا پایان دوره متوسطه تحصیلی فراهم کند، اما نگاهی گذرا به برنامه‌های توسعه در ایران از جمله قانون برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، ذیل مواد و تبصره‌های بخش آموزش و پرورش، مواردی که به صراحت بر موضوع عدالت جنسیتی در آموزش تأکید داشته باشد و راهبردهای مشخص برای آن ارایه نماید، وجود نداشته است [۳ و ۴]. در قانون سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، در بررسی مشکلات و تنگناهای نظام آموزش کشور، در ارتباط با جنسیت به مواردی همچون محدودیت مشارکت زنان در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری در نظام آموزشی کشور، عدم تناسب جنسیت معلمان با دانش‌آموزان، کمبود مربیان آموزش فنی و حرفه‌ای به ویژه زنان، بی‌توجهی به نقش

^۱. Dakar

^۲. Education For All (EFA)

^۳. Millennium Development Goals (MDG)

مطلوب زن در محتوای برخی از کتب درسی تأکید شده و در این راستا، راهکارهایی چون بازنگری در برنامه‌های درسی متناسب با سن و جنس، اصلاح و متناسب سازی فضاهای آموزشی با توجه به شرایط جغرافیایی، لحاظ نمودن جنسیت در دوره‌های تحصیلی، ایجاد شبانه روزی‌ها برای دوره راهنمایی با تأکید بر آموزش دختران، ایجاد مرکز تربیت مربی و مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای ویژه زنان و تأمین امکانات آموزش های فنی و حرفه ای از طریق استفاده از مراکز شبانه روزی خاص زنان و مردان مورد توجه قرار گرفت [۱۶]. در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، بخش آموزش شامل مواد "۵۲" تا "۵۵" بود. در این مواد قانونی نیز مواردی در خصوص توجه به آموزش دختران گنجانده شده است. از جمله در ماده "۵۲" موضوع به دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی به ویژه برای دختران، تأکید شده است. در بند "الف" همین ماده، دولت به توسعه زمینه‌های لازم برای اجرای برنامه «آموزش برای همه» مکلف گردیده و این ماده بر هدف مشخص عدالت جنسیتی در آموزش استوار گردیده است. در بند «ل» همین ماده به متناسب نمودن فضاهای آموزشی به ویژه مدارس دخترانه اشاره شده است و بند «س» نیز فراهم آوردن و ایجاد و گسترش اماکن و فضاهای آموزش و پرورش و ورزش به تناسب جنسیت را هدف قرار داده است [۱۵]. در قانون برنامه پنجم توسعه در بند «ب» ماده ۱۵ بر تأمین آموزش‌های مورد نیاز متناسب با نقش دختران و پسران؛ در بند "ب" ماده ۱۶ بر ایجاد ظرفیت لازم برای افزایش درصد پذیرفته‌شدگان دوره‌های تحصیلات تکمیلی آموزش عالی، با ارتقاء کیفیت به گونه‌ای که میزان افزایش ورود دانش‌آموختگان دوره کارشناسی به دوره‌های تحصیلات تکمیلی به بیست درصد (۲۰٪) برسد و در بند «د» ماده ۱۹ بر تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت و نیاز مناطق به ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته و رفع محرومیت آموزشی تأکید شده است [۱۴].

۲. پیشینه تحقیق

فارغ از مشکلات روش شناختی که در برخی از مطالعات صورت گرفته در ایران وجود داشته است، جمع‌بندی نتایج آنها نشان می‌دهد که: دختران در تمامی پایه‌ها، دسترسی کمتری نسبت به پسران به آموزش دارند [۲، ۳، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۶]. دختران در مناطق کمتر توسعه یافته، دسترسی کمتری به آموزش نسبت به مناطق توسعه یافته‌تر دارند [۱، ۳، ۸، ۱۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۶]. بی‌عدالتی جنسیتی در دسترسی به آموزش در پایه‌های تحصیلی بالاتر بیشتر است [۳ و ۱۲]. علی‌رغم دسترسی کمتر دختران به آموزش در تمامی مقاطع تحصیلی، آنها عملکرد تحصیلی بهتر و ماندگاری بیشتری در نظام آموزشی داشته‌اند [۲ و ۱۲].

۳. چارچوب نظری تحقیق

۳-۱. دیدگاه‌های مربوط به آموزش و جنسیت

برای تبیین این پدیده، سه دیدگاه کلاسیک (برتری پسر بر دختر در آموزش)، دیدگاه برابر اما متفاوت، دیدگاه فمینیستی (تساوی کامل دختر و پسر در آموزش) به شرح زیر ارائه شده است [۷].

۳-۱-۱. دیدگاه کلاسیک

از منظر کلاسیک، وضعیت زنان در چهارچوب خانه و خانه‌داری ترسیم می‌شود و به همین لحاظ، آموزش در آن جایگاه خاصی نمی‌یابد. این بینش با برتر پنداشتن جنس مذکر، آموزش پسران را بر دختران اولویت می‌دهد و اصولاً به دلیل باور داشتن کلیشه‌های نقش جنسیتی، هیچ فایده‌ای در فرستادن دختران به مدرسه نمی‌بیند و معتقد است مهارت‌های مورد نیاز دختران توسط مادران و خواهران به آنان آموزش داده می‌شود. از سوی دیگر، چون در بیشتر جوامع جهان سوم، دختر پس از ازدواج به خانواده‌ی شوهر ملحق می‌شود، لذا صرف وقت و هزینه برای تحصیل او کاری بی‌هوده

تلقی می‌شود. شاید این ضرب المثل آسیایی که می‌گوید «آموزش دختران مثل آب دادن به درختان باغ همسایه است» به خوبی دیدگاه کلاسیک را در رابطه با آموزش دختران تبیین کند [۲۹].

۳-۱-۲. دیدگاه برابر اما متفاوت

این دیدگاه که امروزه کماکان در غالب کشورها، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه رایج است، آموزش دختران را به دلیل منافع غیرمالی آن (بهداشت خانواده و تربیت کودکان) امری لازم تلقی می‌کند، اما تحت تأثیر کلیشه‌های جنسیتی، آموزش متفاوت از پسران را برای دختران مورد تأکید قرار می‌دهد. به همین دلیل دیده می‌شود که تقریباً در تمام کشورها دختران به سمت رشته‌هایی خاص که با وظایف مادری و همسری آنان هم‌خوانی دارد سوق داده می‌شوند و در این میان معلمان و به ویژه والدین نقش مهمی ایفا می‌کنند، زیرا برای والدین مشکل است که دختران‌شان را به انتخاب رشته‌های هم‌سان با پسران ترغیب کنند، به ویژه اگر این امر مغایر با علایق و منافع جنسیتی رایج در جامعه باشد [۳۱].

۳-۱-۳. دیدگاه‌های فمینیستی

انقلاب صنعتی سبب کشیده شدن تمام اقشار جامعه، از جمله زنان و بچه‌ها به بازار کار شد. تا قبل از انقلاب صنعتی، ضعف فیزیکی و جسمانی زنان مانع از مشارکت آنان در نیروی کار تولیدی می‌شد. کار در دوران صنعتی، با تکنولوژی‌های خودکار، پیش‌شرطی برای حضور زنان در عرصه‌ی اجتماعی و میدان کار شد. در واقع انقلاب صنعتی تأثیری دوگانه بر وضعیت زنان داشت: اولاً تقسیمات طبقاتی را توسعه داد و نخبگان جدیدی شامل زنان را پدید آورد، به گونه‌ای که این اقلیت در مقایسه با زنانی که فاقد مهارت‌های کار با تکنولوژی جدید بودند، از امتیازاتی برخوردار شدند. برای مثال، در سال ۱۹۸۰، زنان دارای تحصیلات دانشگاهی، در مقایسه با زنان دارای تحصیلات ابتدایی و زنانی که دبیرستان را به پایان رسانده بودند، دستمزد بیشتری دریافت می‌کردند که قابل ملاحظه هم بود [۳۹] این امر به نوبه‌ی خود، اهمیت آموزش

را برای زنان آشکار ساخت و انگیزه‌ی آنان را برای کسب آموزش و تحصیل در سطوح بالاتر افزایش داد. از سوی دیگر، حضور زنان در بازار کار (حیطه‌ای که مردانه تلقی می‌شد) منجر به پایین آمدن دستمزد مردان شد و از این روی، با مقاومت‌ها و مخالفت‌های مردان مواجه شد. به این ترتیب زنان دریافتند که به عنوان زن، دارای منافع مشترکی با زنان دیگر جوامع و منافی متفاوت با منافع مردان هستند. این امر، طرفداران حقوق زنان را به واکنش واداشت و موجب شد نظرات متفاوتی در رابطه با حقوق زنان مطرح شود. این نظرات، با وجود گوناگونی، در وهله‌ی نخست پرسش‌های مشابهی را مطرح می‌کرد؛ از جمله: نقش آموزش در بازتولید روابط جنسیتی چیست؟ چرا زنان و مردان نقش‌های متفاوتی در جامعه دارند؟ و آیا مدرسه می‌تواند روابط جنسیتی را در جامعه از بین ببرد؟ [۳۶]. این پرسش‌ها که سازمان و محتوای آموزش را مورد کنکاش قرار می‌دهد و در جستجوی راهکارهایی برای حل معضلات موجود است، به پاسخ‌هایی متفاوت انجامیده که به اجمال به آن‌ها اشاره می‌شود:

- واژگونی ساختارهای آموزشی

برخلاف فمینیست‌های لیبرال که عدالت آموزشی را در قالب نهادهای آموزشی موجود جستجو می‌کنند، فمینیست‌های رادیکال معتقدند، مردسالاری حاکم بر این ساختارها مانع از تحقق تساوی حقوق زنان و مردان می‌شود. از نظر آنان، تساوی جنسیتی، بدون آن که نهادهای سنتی حاکم، دستخوش تغییرات ساختاری شود، منجر به آن می‌شود که هم جامعه در کل و هم زنان، تحت استیلای اخلاق مردانه قرار گیرند [۳۲]. از نظر این رویکرد که اصولاً به نهادهای سنتی بدبین بوده و آن‌ها را بی‌اعتبار می‌داند، مشکل اصلی زنان، وجود ارزش‌های مردمدارانه است که این امر در ساختار آموزشی سبب شده که نه تنها محتوای مطالب و متون درسی مردمحور باشد، بلکه بافت کلمه‌ها نیز از لحاظ حروفی که در ترکیب آن‌ها به کار رفته از مفهومی مردسالارانه برخوردار است. از این رو، پیشنهاد می‌کنند که علاوه بر محتوای متون آموزشی، ساخت کلمه‌ها نیز مورد تجدید نظر قرار گیرد. برای مثال، کلمه‌ی WOMEN که به سه حرف «M-E-N» ختم می‌شود به WIMIN تغییر یابد [۵]. خلاصه آنکه فمینیست‌های

رادیکال هرگونه حرکت در جهت تحقق تساوی آموزشی را بدون واژگونی کامل ساختار فعلی آموزش، که هم از طریق کتاب‌های آموزشی و هم توسط معلمان، علایق مردانه را در اولویت قرار می‌دهد، بی‌فایده می‌دانند. واقعیت آن است که نگرش معلمان به دانش آموزان دختر و پسر نیز فارغ از تعصب‌های جنسیتی نیست و تعدیل و تغییر این نگرش می‌تواند در تحقق هدف تساوی آموزشی تأثیر به‌سزایی داشته باشد. نتایج یک پژوهش که در سال ۲۰۰۰ توسط جونز کلی^۴ و همکارانش انجام شد نشان می‌دهد که تغییر و تعدیل تعصب‌های جنسیتی در معلمان بر اتخاذ استراتژی‌های تساوی جنسیتی توسط آنان تأثیر مثبت دارد. این پژوهش بر روی معلمان دوره‌ی ابتدایی و دبیرستان ایالت لوئیزیانا که دست کم دارای پنج سال سابقه تدریس بودند، صورت گرفت و طی آن، به مدت هشت هفته برنامه‌هایی به منظور زدودن و تعدیل باورهای کلیشه‌ای جنسیتی در معلمان اجرا شد [۲۸].

- عدالت واقعی با محو سرمایه‌داری

عدالت آموزشی از نظر دسته دیگری از فمینیست‌ها در قالب مبارزه‌ی طبقاتی قرار می‌گیرد. به باور این رویکرد مارکسیستی و سوسیالیستی، اقتصاد زیربنا است و هر چیز دیگر از جمله آموزش در روبنا قرار دارد. از نظر فمینیست‌های مارکسیست، ابتدا باید رابطه‌ی بین ستمگری و سرمایه‌داری را شناخت و سپس با اتحاد زنان و مردان تحت ستم برای براندازی نظام سرمایه‌داری تلاش کرد؛ زیرا تنها با محو سرمایه‌داری است که همه انواع بی‌عدالتی‌ها و ستمگری‌ها نابود خواهد شد [۳۰]. در غیر این صورت، هرگونه اقدام در راستای عدالت آموزشی بیهوده است و منجر به سوء تفاهم‌های نژادی و فرهنگی خواهد شد [۳۷]. نظرات متفاوت فمینیست‌ها در رابطه با تساوی جنسیتی، اگر چه منجر به بهبود وضعیت زنان در پاره‌ای از زمینه‌ها شده است، اما باید اذعان داشت که عدم تساوی در همه زمینه‌ها از جمله آموزش هنوز وجود دارد. به بیان دیگر، بی‌عدالتی‌های کمی و کیفی تقریباً در تمام کشورها دیده می‌شود که بی‌تردید با توجه

4. Jons Keli

به شرایط هر جامعه‌ای، نسبی است. این امر تأثیرات سوء بر رفتارهای اجتماعی و شخصیت افراد خواهد داشت. نتایج مطالعه‌ی برننان [۲۵] نشان می‌دهد که دختران در مدرسه با عدم تساوی جنسیتی مواجه هستند و تجربیات آنان در مدرسه برای تمام عمر بر سودمندی اجتماعی آنان اثر منفی می‌گذارد. سادکر [۳۴] دریافت که چون آموزش برای افراد زمینه‌ی موفقیت را در کارهای تجاری و مالی و سایر کارها فراهم می‌کند، آموزش مدرسه به شکل فعلی آن برای زنان به طور بالقوه ویران کننده است. نتیجه یک تحقیق دیگر نشان می‌دهد که موانع تساوی آموزشی عمدتاً تحت تأثیر انتظارات جنسیتی جامعه قرار دارد. هم‌چنین عوامل اقتصادی، مهم‌ترین دلیل ادامه تحصیل در زنان زیمبابوه بوده و آزمودنی‌ها، انتظارات جنسیتی را که از طریق فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی خلق شده‌اند، عمده‌ترین مانع عدالت آموزشی دانسته‌اند که به اعتقاد آنان سبب تبدیل زنان به شهروندان درجه دوم می‌شود [۲۹].

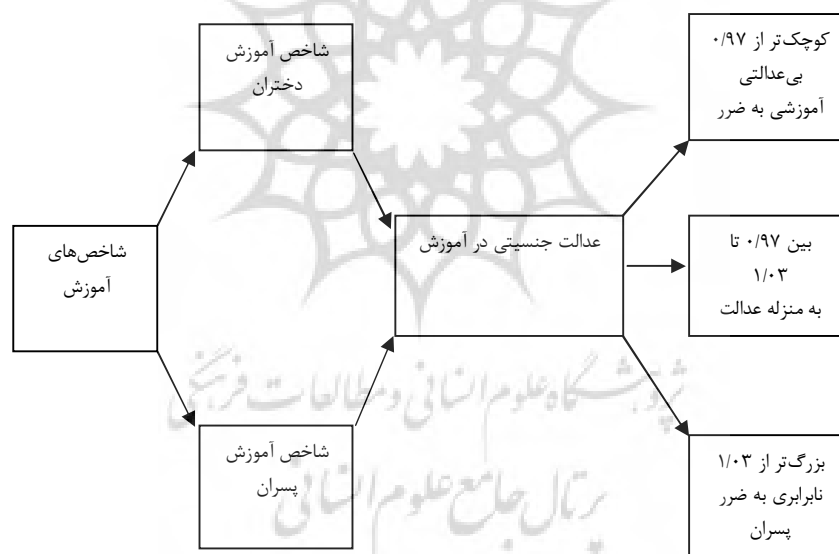
- حق آموزش برابر با پسران

استفاده برابر از فرصت‌های آموزشی، از جمله حقوق اولیه هر انسانی است. عدالت حقوق مدنی زنان و مردان در همه زمینه‌ها و از جمله در آموزش، مورد توجه فمینیسم لیبرال بود که نسبت به سایر گرایش‌ها از قدمت و سابقه طولانی‌تری برخوردار است. به اعتقاد این دسته از فمینیست‌ها، در قالب نظم اجتماعی موجود و از طریق ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی، می‌توان هدف یاد شده را تحقق بخشید. از این روی، راهکاری که ارائه می‌شود عبارت است از: تشویق دختران به کسب همان آموزش‌هایی که امروزه پسران فرا می‌گیرند، بدون تغییر در محتوای آموزش یا ساختارهای آموزشی. به باور آنان، با دادن فرصت‌های برابر، زنان وارد حیطه‌های تحت تسلط مردان می‌شوند و هر چقدر زنان بیشتری وارد این قلمرو شوند، تساوی بیشتری حاصل می‌شود [۳۳].

- شاخص عدالت جنسیتی در آموزش^۵

براساس حق عدالت آموزشی دختران و پسران، مرکز آمارهای یونسکو^۶ [۴۰] و مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی^۷ [۳۵] برای ارزشیابی عدالت جنسیتی در آموزش چارچوبی را ارائه نموده‌اند که بر مبنای آن از تقسیم وضعیت آموزش دختران بر پسران، عددی بدست می‌آید که اگر عدد حاصل کمتر از $0/8$ و بیشتر از $1/25$ باشد دور از تحقق هدف، بین $0/8$ تا $0/94$ و $1/06$ تا $1/25$ در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف و چنان‌چه شاخص بین $0/69$ تا $0/95$ و $1/04$ تا $1/05$ قرار گرفته باشد، تحقق عدالت جنسیتی در آموزش نزدیک است. عدالت جنسیتی در آموزش نیز در صورتی محقق شده است که رقم شاخص، بین $0/97$ تا $1/03$ باشد.

نمودار ۱. چارچوب طرح ارزشیابی [۳۵ و ۴۰]



⁵. Gender Parity and disparity Index in Education

⁶. UNESCO Institute for Statistics (UIS)

⁷. International Institute for Educational Planning (IIEP)

جدول ۱: تفسیر شاخص عدالت جنسیتی در آموزش [۳۵ و ۴۰]

بی‌عدالتی آموزشی به ضرر دختران			عدالت جنسیتی در آموزش	بی‌عدالتی آموزشی به ضرر پسران		
$GPI < 0/8$	$0/8 < GPI < 0/94$	$0/95 < GPI < 0/96$	$0/97 < GPI < 1/03$	$1/04 < GPI < 1/05$	$1/06 < GPI < 1/25$	$GPI > 1/25$
ب د د	ب د م	ب د ن	ع	ب پ ن	ب پ م	ب پ د
دور از تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش	متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش	نزدیک به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش	عدالت جنسیتی در آموزش	نزدیک به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش	متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش	دور از تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش

۴. روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع پژوهش ارزشیابی است، بدین معنا که در ابتدا پدیده مورد نظر اندازه گیری شده و سپس بر اساس معیارهایی به قضاوت در خصوص پدیده پرداخته می‌شود [۱۹]. داده‌های مورد نیاز از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ [۲۳] جمع آوری شده و با استفاده از روش تحلیل ثانویه داده‌ها، تحلیل شده و براساس چارچوب ارائه شده توسط مرکز آمارهای یونسکو [۴۰] و مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی [۳۵]، عدالت جنسیتی در آموزش ایران مورد ارزشیابی قرار گرفته است.

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. نرخ باسوادی گروه‌های عمده سنی در ایران

نتایج تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که:

عدالت آموزشی در بین زنان و مردان: نرخ باسوادی در شهر برابر با ۸۸/۵۶ و در روستا برابر با ۷۵/۱ و در مجموع برابر با ۸۴/۷۵ درصد است. بیشترین میزان باسوادی در شهر متعلق به گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله با ۹۸/۴ درصد و کمترین میزان باسوادی در شهر متعلق به گروه سنی بالاتر از ۷۵ ساله با ۲۸/۴۴ درصد است. بیشترین میزان باسوادی در روستا متعلق به گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله با ۹۶/۳۸ درصد و کمترین میزان باسوادی در روستا متعلق به گروه سنی بالاتر از ۷۵ ساله با ۷/۴ درصد است. بیشترین میزان باسوادی در مجموع متعلق به گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله با ۹۷/۷۶ درصد و کمترین میزان باسوادی متعلق به گروه سنی بالاتر از ۷۵ ساله با ۲۱/۰۷ درصد است (جدول ۲).

جدول ۲: وضعیت سواد^۸ مردان و زنان گروه‌های عمده سنی در ایران^۹

جنس و سن	جمع		نقاط شهری		نقاط روستایی	
	درصد باسواد	تعداد افراد	درصد بی-سواد	تعداد افراد	درصد باسواد	تعداد افراد
مرد و زن	۸۴/۷۵	۶۷۶۸۱۸۷۶	۱۴/۳۶	۴۸۶۰۹۲۲۸	۱۰/۵۷	۱۹۰۲۳۲۹۴
۹-۶ ساله	۹۱/۹۲	۴۴۳۷۴۷۳	۵/۳۳	۳۰۱۱۸۹۴	۴/۷۰	۱۴۲۱۳۵۱
۱۴-۱۰ ساله	۹۷/۷۶	۵۶۷۱۴۳۵	۱/۹۸	۳۹۱۲۷۴۸	۱/۳۴	۱۷۵۳۳۷۴
۱۹-۱۵ ساله	۹۶/۹۶	۶۶۰۷۰۴۳	۲/۷۴	۴۴۸۴۴۴۸	۱/۷۳	۲۱۱۵۹۸۵
۲۴-۲۰ ساله	۹۵/۸۵	۸۴۱۴۴۹۷	۳/۵۹	۵۹۴۴۵۹۳	۲/۲۰	۲۴۶۳۳۰۲
۲۹-۲۵ ساله	۹۴/۹۴	۸۶۷۲۶۵۴	۴/۱۰	۶۳۸۳۶۸۵	۲/۴۱	۲۲۸۳۶۵۶

^۸ از آن جایی که در سرشماری برخی از افراد وضعیت سوادشان را اظهار نکرده‌اند، طبیعی است که مجموع درصد افراد باسواد و بی‌سواد در برخی از موارد برابر با ۱۰۰ درصد نشود.
^۹ داده‌های اولیه از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ [۲۳] اخذ شده است.

جنس و سن	جمع			نقاط شهری			نقاط روستایی		
	تعداد افراد	درصد باسواد	درصد بی-سواد	تعداد افراد	درصد باسواد	درصد بی-سواد	تعداد افراد	درصد باسواد	درصد بی-سواد
۳۰-۳۴ ساله	۶۹۷۱۹۲۴	۹۳/۰۴	۶/۰۶	۵۱۳۸۲۰۳	۹۵/۶۸	۳/۴۱	۱۸۲۹۳۷۴	۸۵/۷۱	۱۳/۴۰
۳۵-۳۹ ساله	۵۵۷۱۰۱۸	۸۸/۸۱	۹/۷۷	۴۰۷۹۴۲۶	۹۲/۸۰	۵/۹۱	۱۴۸۸۲۱۴	۷۸/۰۰	۲۰/۲۵
۴۰-۴۴ ساله	۴۹۰۶۷۴۹	۸۴/۶۲	۱۴/۴۷	۳۶۹۴۶۵۰	۸۹/۸۷	۹/۲۷	۱۲۰۹۱۹۶	۶۸/۷۱	۳۰/۲۱
۴۵-۴۹ ساله	۴۰۳۰۴۸۱	۷۸/۷۲	۲۰/۵۷	۳۰۷۸۱۴۲	۸۵/۴۱	۱۳/۹۰	۹۴۹۹۹۳	۵۷/۱۹	۴۲/۰۴
۵۰-۵۴ ساله	۳۵۲۷۴۰۸	۶۸/۹۶	۳۰/۲۴	۲۶۴۴۰۲۸	۷۷/۹۴	۲۱/۲۹	۸۸۱۰۹۳	۴۲/۱۶	۵۶/۹۴
۵۵-۵۹ ساله	۲۶۸۰۱۱۹	۶۰/۳۴	۳۸/۹۹	۱۹۸۰۲۸۳	۷۰/۶۰	۲۸/۷۴	۶۹۸۰۱۷	۳۱/۳۶	۶۷/۹۴
۶۰-۶۴ ساله	۱۸۶۲۹۰۷	۴۹/۳۱	۵۰/۰۴	۱۳۳۴۴۸۹	۶۰/۴۶	۳۸/۸۶	۵۲۷۰۱۴	۲۱/۱۸	۷۸/۲۱
۶۵-۶۹ ساله	۱۳۴۳۷۳۱	۴۱/۲۵	۵۸/۱۰	۹۴۸۶۴۷	۵۱/۷۰	۴۷/۶۲	۳۹۴۲۳۸	۱۶/۲۰	۸۳/۳۲
۷۰-۷۴ ساله	۱۱۱۹۹۶۸	۳۰/۵۸	۶۸/۷۳	۷۵۸۲۵۰	۳۹/۷۹	۵۹/۴۷	۳۶۰۹۶۵	۱۱/۲۷	۸۸/۱۲
۷۵ ساله و بیشتر	۱۸۳۳۰۷۰	۲۱/۰۷	۷۸/۰۵	۱۱۹۰۵۲۳	۲۸/۴۴	۷۰/۵۷	۶۴۱۴۶۴	۷/۴۰	۹۱/۹۰

عدالت آموزشی در بین مردان: نرخ باسوادی در شهر برابر با ۹۱/۴۷ و در روستا برابر با ۸۰/۶۵ و در مجموع برابر با ۸۸/۴۰ درصد است. بیشترین میزان باسوادی در شهر متعلق به گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله با ۹۸/۳۹ درصد و کمترین میزان باسوادی در شهر متعلق به گروه سنی بالاتر از ۷۵ ساله با ۴۰/۲۹ درصد است. بیشترین میزان باسوادی در روستا متعلق به گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله با ۹۶/۸۲ درصد و کمترین میزان باسوادی در روستا متعلق به گروه سنی بالاتر از ۷۵ ساله با ۱۱/۹۸ درصد است. بیشترین میزان باسوادی در مجموع متعلق به گروه سنی ۱۴-۱۰ ساله با ۹۷/۸۹ درصد و کمترین میزان باسوادی متعلق به گروه سنی بالاتر از ۷۵ ساله با ۲۱/۷ درصد است (جدول ۳).

جدول ۳: وضعیت سواد^۱ مردان گروه‌های عمده سنی در ایران^{۱۱}

جنس و سن	جمع			نقاط شهری			نقاط روستایی		
	بی سواد	با سواد	جمع	بی سواد	با سواد	جمع	بی سواد	با سواد	جمع
مرد	۱۰/۴۹	۸۸/۴۰	۳۴۰۷۹۸۳۳	۹۱/۴۷	۷/۴۵	۲۴۴۴۲۱۰۷	۱۸/۱۵	۸۰/۶۵	۹۶۱۲۴۸۷
۹-۶ ساله	۵/۲۴	۹۲/۰۳	۲۲۷۳۷۸۱	۹۲/۵۴	۴/۶۷	۱۵۴۳۵۸۹	۶/۴۳	۹۱/۰۰	۷۲۸۰۱۱
۱۴-۱۰ ساله	۱/۸۵	۹۷/۸۹	۲۸۸۸۳۸۸	۹۸/۳۹	۱/۳۴	۱۹۹۰۰۸۸	۲/۹۴	۹۶/۸۲	۸۹۵۵۵۵
۱۹-۱۵ ساله	۲/۶۱	۹۷/۱۰	۳۳۴۷۴۳۶	۹۷/۸۹	۱/۸۵	۲۲۵۹۷۷۰	۴/۱۴	۹۵/۴۸	۱۰۸۴۲۴۷
۲۴-۲۰ ساله	۳/۱۱	۹۶/۳۱	۴۲۰۱۵۷۵	۹۷/۲۱	۲/۱۵	۲۹۲۴۶۲۲	۵/۲۷	۹۳/۹۷	۱۲۷۳۴۴۹
۲۹-۲۵ ساله	۳/۳۰	۹۵/۳۴	۴۳۵۴۶۳۴	۹۶/۵۱	۲/۱۹	۳۱۷۸۸۵۸	۶/۲۶	۹۲/۳۱	۱۱۷۳۰۷۳
۳۴-۳۰ ساله	۴/۳۳	۹۴/۴۳	۳۵۱۵۸۲۸	۹۶/۱۱	۲/۶۴	۲۵۸۶۵۴۶	۸/۹۹	۸۹/۸۰	۹۲۷۱۲۸
۳۹-۳۵ ساله	۶/۴۶	۹۱/۳۵	۲۸۵۰۲۳۳	۹۴/۰۴	۴/۰۱	۲۰۸۵۶۶۵	۱۳/۰۹	۸۴/۰۹	۷۶۲۹۷۲
۴۴-۴۰ ساله	۹/۰۱	۸۹/۷۵	۲۴۸۶۳۷۹	۹۳/۱۹	۵/۶۸	۱۸۸۰۴۳۶	۱۹/۲۷	۷۹/۱۶	۶۰۴۵۷۱
۴۹-۴۵ ساله	۱۲/۵۹	۸۶/۵۵	۲۰۲۷۳۳۸	۹۱/۰۳	۸/۱۴	۱۵۶۰۱۷۰	۲۷/۳۴	۷۱/۶۵	۴۶۶۰۷۶
۵۴-۵۰ ساله	۱۹/۵۷	۷۹/۳۹	۱۷۶۵۱۱۳	۸۶/۱۳	۱۲/۹۰	۱۳۳۸۵۹۱	۳۹/۰۳۹	۵۸/۳۳	۴۲۵۴۰۱
۵۹-۵۵ ساله	۲۵/۴۲	۷۳/۷۵	۱۳۲۶۶۳۴	۸۱/۸۱	۱۷/۳۹	۱۰۰۳۷۹۹	۲۷/۰۲۷	۴۸/۷۸	۳۲۱۹۶۱
۶۴-۶۰ ساله	۳۴/۰۶	۶۵/۲۱	۸۸۰۹۶۲	۷۵/۲۷	۲۳/۹۹	۶۴۹۳۶۱	۲۲/۶۲	۳۷/۱۰	۲۳۰۸۵۹
۶۹-۶۵ ساله	۴۳/۱۰	۵۶/۲۰	۶۴۳۳۴۲	۶۷/۳۹	۳۱/۸۹	۴۵۹۵۹۷	۰۷/۷۱	۲۸/۲۸	۱۸۳۲۴۱
۷۴-۷۰ ساله	۵۵/۹۴	۴۳/۳۴	۵۶۱۱۴۷	۵۴/۹۳	۴۴/۳۲	۳۷۸۴۱۵	۹۸/۷۹	۱۹/۳۷	۱۸۲۲۶۴
۷۵ ساله و بیشتر	۶۹/۴۵	۲۹/۷۰	۹۳۷۲۷۱	۴۰/۲۹	۵۸/۷۵	۵۸۶۷۲۳	۳۵/۸۷	۱۱/۹۸	۳۴۹۸۵۴

^{۱۱} از آن جایی که در سرشماری برخی از افراد وضعیت سوادشان را اظهار نکرده‌اند، طبیعی است که

مجموع درصد افراد باسواد و بی‌سواد در برخی از موارد برابر با ۱۰۰ درصد نشود.

^{۱۱} داده‌های اولیه از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ [۲۳] اخذ شده است.

عدالت آموزشی در بین زنان: نرخ باسوادی در شهر برابر با ۸۵/۶۱ درصد و در روستا برابر با ۶۹/۴۳ درصد و در مجموع برابر با ۸۱/۰۵ درصد است. بیشترین میزان باسوادی در شهر متعلق به گروه سنی ۱۰-۱۴ ساله با ۹۸/۴۱ درصد و کمترین میزان باسوادی در شهر متعلق به گروه سنی بالاتر از ۷۵ ساله با ۱۶/۹۳ درصد است. بیشترین میزان باسوادی در روستا متعلق به گروه سنی ۱۰-۱۴ ساله با ۹۵/۹۳ درصد و کمترین میزان باسوادی در روستا متعلق به گروه سنی بالاتر از ۷۵ ساله با ۱/۹ درصد است. بیشترین میزان باسوادی در مجموع متعلق به گروه سنی ۱۰-۱۴ ساله با ۹۷/۶۳ درصد و کمترین میزان باسوادی متعلق به گروه سنی بالاتر از ۷۵ ساله با ۱۲/۰۳ درصد است (جدول ۴).

جدول ۴: وضعیت سواد^{۱۲} زنان گروه‌های عمده سنی در ایران^{۱۳}

جنس و سن	جمع			نقاط شهری			نقاط روستایی		
	بی سواد	با سواد	جمع	بی سواد	با سواد	جمع	بی سواد	با سواد	جمع
زن	۱۸/۲۸	۸۱/۰۵	۳۳۶۰۲۰۴۳	۱۳/۷۲	۸۵/۶۱	۲۴۱۶۷۱۲۱	۲۹/۹۱	۶۹/۴۳	۹۴۱۰۸۰۷
۹-۶ ساله	۵/۴۲	۹۱/۸۹	۲۱۶۳۶۹۲	۴/۷۳	۹۲/۴۳	۱۴۶۸۳۰۵	۶/۸۴	۹۰/۵۵	۶۹۳۳۴۰
۱۴-۱۰ ساله	۲/۱۰	۹۷/۶۳	۲۷۸۳۰۴۷	۱/۳۳	۹۸/۴۱	۱۹۲۲۶۶۰	۳/۷۸	۹۵/۹۳	۸۵۷۸۱۹
۱۹-۱۵ ساله	۲/۸۸	۹۶/۸۱	۳۲۵۹۶۰۷	۱/۶۰	۹۸/۱۴	۲۲۲۴۶۷۸	۵/۵۷	۹۴/۰۱	۱۰۳۱۷۳۸
۲۴-۲۰ ساله	۴/۰۷	۹۵/۴۹	۴۲۱۲۹۲۲	۲/۲۶	۹۷/۳۰	۳۰۱۹۹۷۱	۸/۵۸	۹۰/۹۶	۱۱۸۹۸۵۳
۲۹-۲۵ ساله	۴/۹۰	۹۴/۵۳	۴۳۱۸۰۲۰	۲/۶۳	۹۶/۷۷	۳۲۰۴۸۲۷	۱۱/۳۷	۸۸/۱۵	۱۱۱۰۵۸۳
۳۴-۳۰ ساله	۷/۸۲	۹۱/۶۲	۳۴۵۶۰۹۶	۴/۳۰	۹۵/۳۳	۲۵۵۱۶۵۷	۱۷/۹۲	۸۱/۵۲	۹۰۲۲۴۶
۳۹-۳۵ ساله	۱۳/۲۴	۸۶/۱۵	۲۷۲۰۷۸۵	۷/۹۰	۹۱/۵۰	۱۹۹۳۷۶۱	۲۷/۷۸	۷۱/۶۰	۷۲۵۲۴۲
۴۴-۴۰ ساله	۲۰/۰۷	۷۹/۳۴	۲۴۲۰۳۷۰	۱۳/۰۰	۸۶/۴۲	۱۸۱۴۲۱۴	۴۱/۱۴	۵۸/۲۶	۶۰۴۶۲۵

^{۱۲} از آن جایی که در سرشماری برخی از افراد وضعیت سوادشان را اظهار نکرده‌اند، طبیعی است که

مجموع درصد افراد باسواد و بی‌سواد در برخی از موارد برابر با ۱۰۰ درصد نشود.

^{۱۳} داده‌های اولیه از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ [۲۳] اخذ شده است.

جنس و سن	جمع			نقاط شهری			نقاط روستایی		
	بی سواد	با سواد	جمع	بی سواد	با سواد	جمع	بی سواد	با سواد	جمع
۴۹-۴۵ ساله	۲۸/۶۴	۷۰/۸۰	۲۰۰۳۱۴۳	۱۹/۸۱	۷۹/۶۳	۱۵۱۷۹۷۲	۵۶/۲۰	۴۳/۲۵	۴۸۳۹۱۷
۵۴-۵۰ ساله	۴۰/۹۲	۵۸/۵۱	۱۷۶۲۲۹۵	۲۹/۸۹	۶۹/۵۴	۱۳۰۵۴۳۷	۷۲/۳۹	۲۷/۰۶	۴۵۵۶۹۲
۵۹-۵۵ ساله	۵۲/۲۹	۴۷/۱۹	۱۳۵۳۴۸۵	۴۰/۳۹	۵۹/۰۷	۹۷۶۴۸۴	۸۳/۰۶	۱۶/۴۵	۳۷۶۰۵۶
۶۴-۶۰ ساله	۶۴/۳۷	۳۵/۰۵	۹۸۱۹۴۵	۵۲/۹۷	۴۶/۴۴	۶۸۵۱۲۸	۹۰/۶۹	۸/۷۷	۲۹۶۱۵۵
۶۹-۶۵ ساله	۷۱/۸۷	۲۷/۵۲	۷۰۰۳۸۹	۶۲/۴۱	۳۶/۹۵	۴۸۹۰۵۰	۹۳/۷۷	۵/۷۲	۲۱۰۹۹۷
۷۴-۷۰ ساله	۸۱/۵۷	۱۷/۷۶	۵۵۸۸۲۱	۷۴/۵۷	۲۴/۷۱	۳۷۹۸۳۵	۹۶/۴۲	۳/۰۱	۱۷۸۷۰۱
۷۵ ساله و بیشتر	۸۷/۰۵	۱۲/۰۳	۸۹۵۷۹۹	۸۲/۰۶	۱۶/۹۳	۶۰۳۸۰۰	۹۷/۳۶	۱/۹۰	۲۹۱۶۱۰

۵-۲. عدالت جنسیتی در آموزش گروه‌های عمده سنی در ایران

نتایج تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که:

- در مجموع: در گروه‌های عمده سنی ۹-۶، ۱۴-۱۰، ۱۹-۱۵، ۲۴-۲۰، ۲۹-۲۵، ۳۴-۳۰ ساله، عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد (جدول ۵).
- در گروه‌های عمده سنی ۳۹-۳۵، ۴۴-۴۰ و ۴۹-۴۵ ساله بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش دیده می‌شود؛ در گروه‌های عمده سنی ۵۴-۵۰، ۵۹-۵۵، ۶۴-۶۰، ۶۹-۶۵، ۷۴-۷۰ و ۷۵ ساله و بیشتر، بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت دور از تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش مشاهده می‌شود و در مجموع در افراد ۶ ساله و بیشتر، بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش مشاهده می‌شود (جدول ۵).
- در نقاط شهری: در گروه‌های عمده سنی ۹-۶، ۱۴-۱۰، ۱۹-۱۵، ۲۴-۲۰، ۲۹-۲۵، ۳۴-۳۰، ۳۹-۳۵ ساله، عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد (جدول ۵).

در گروه‌های عمده سنی ۴۰-۴۴، ۴۵-۴۹ و ۵۰-۵۴ ساله، بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش مشاهده می‌شود و در گروه‌های عمده سنی ۵۵-۵۹، ۶۰-۶۴، ۶۵-۶۹، ۷۰-۷۴ و ۷۵ ساله و بیشتر، بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت دور از تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد و در مجموع در گروه سنی ۶ ساله و بیشتر شهری، بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد (جدول ۵).

در نقاط روستایی: در گروه‌های عمده سنی ۶-۹، ۱۰-۱۴، ۱۵-۱۹، ۲۰-۲۴ ساله، عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد (جدول ۵).

در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت نزدیک به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش مشاهده می‌شود؛ در گروه‌های عمده سنی ۳۰-۳۴ و ۳۵-۳۹ ساله بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش مشاهده می‌شود؛ در گروه‌های عمده سنی ۴۰-۴۴، ۴۵-۴۹، ۵۰-۵۴، ۵۵-۵۹، ۶۰-۶۴، ۶۵-۶۹، ۷۰-۷۴ و ۷۵ ساله و بیشتر، بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت دور از تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد و در مجموع در گروه سنی ۶ ساله و بیشتر روستایی، بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد (جدول ۵).

جدول ۵: عدالت و بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش گروه‌های عمده سنی در ایران

جنس و سن	جمع			نقاط شهری			نقاط روستایی		
	جمع	باسواد	ارزشیابی	جمع	باسواد	ارزشیابی	جمع	باسواد	ارزشیابی
مرد و زن	۰/۹۹	۰/۹۲	ب د م	۰/۹۹	۰/۹۴	ب د م	۰/۹۸	۰/۸۶	ب د م
۶-۹ ساله	۰/۹۵	۱/۰۰	ع	۰/۹۵	۱/۰۰	ع	۰/۹۵	۱/۰۰	ع
۱۰-۱۴ ساله	۰/۹۶	۱/۰۰	ع	۰/۹۷	۱/۰۰	ع	۰/۹۶	۰/۹۹	ع
۱۵-۱۹ ساله	۰/۹۷	۱/۰۰	ع	۰/۹۸	۱/۰۰	ع	۰/۹۵	۰/۹۸	ع
۲۰-۲۴ ساله	۱/۰۰	۰/۹۹	ع	۱/۰۳	۱/۰۰	ع	۰/۹۳	۰/۹۷	ع
۲۵-۲۹ ساله	۰/۹۹	۰/۹۹	ع	۱/۰۱	۱/۰۰	ع	۰/۹۵	۰/۹۶	ب د ن
۳۰-۳۴ ساله	۰/۹۸	۰/۹۷	ع	۰/۹۹	۰/۹۹	ع	۰/۹۷	۰/۹۱	ب د م
۳۵-۳۹ ساله	۰/۹۵	۰/۹۴	ب د م	۰/۹۶	۰/۹۷	ع	۰/۹۵	۰/۸۵	ب د م
۴۰-۴۴ ساله	۰/۹۷	۰/۸۸	ب د م	۰/۹۶	۰/۹۳	ب د م	۱/۰۰	۰/۷۴	ب د د
۴۵-۴۹ ساله	۰/۹۹	۰/۸۲	ب د م	۰/۹۷	۰/۸۷	ب د م	۱/۰۴	۰/۶۰	ب د د
۵۰-۵۴ ساله	۱/۰۰	۰/۷۴	ب د د	۰/۹۸	۰/۸۱	ب د م	۱/۰۷	۰/۴۶	ب د د
۵۵-۵۹ ساله	۱/۰۲	۰/۶۴	ب د د	۰/۹۷	۰/۷۲	ب د د	۱/۱۷	۰/۳۴	ب د د
۶۰-۶۴ ساله	۱/۱۱	۰/۵۴	ب د د	۱/۰۶	۰/۶۲	ب د د	۱/۲۸	۰/۲۴	ب د د
۶۵-۶۹ ساله	۱/۰۹	۰/۴۹	ب د د	۱/۰۶	۰/۵۵	ب د د	۱/۱۵	۰/۲۰	ب د د
۷۰-۷۴ ساله	۱/۰۰	۰/۴۱	ب د د	۱/۰۰	۰/۴۵	ب د د	۰/۹۸	۰/۱۶	ب د د
۷۵ ساله و بیشتر	۰/۹۶	۰/۴۱	ب د د	۱/۰۳	۰/۴۲	ب د د	۰/۸۳	۰/۱۶	ب د د

۵-۳. عدالت جنسیتی در مقاطع مختلف نظام آموزشی ایران

همان‌طور که در بخش چارچوب طرح ارزشیابی ارایه شد، مرکز آمارهای یونسکو [۴۰] و مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی [۳۵] برای ارزشیابی عدالت جنسیتی در آموزش چارچوبی را ارائه نموده‌اند که بر مبنای آن از تقسیم وضعیت آموزش دختران بر پسران، عددی بدست می‌آید که اگر عدد حاصل کمتر از $0/8$ و بیشتر از $1/25$ دور از تحقق هدف برنامه، بین $0/8$ تا $0/94$ و $1/06$ تا $1/25$ در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف و چنان‌چه شاخص عدالت جنسیتی بین $0/69$ تا $0/95$ و $1/04$ تا $1/05$ قرار گرفته باشد، نزدیک به تحقق هدف خواهد بود. عدالت جنسیتی در آموزش نیز در صورتی محقق شده است که رقم شاخص، بین $0/97$ تا $1/03$ باشد.

نتایج تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که: در مقطع ابتدایی عدالت جنسیتی در آموزش رخ داده است؛ در مقطع راهنمایی بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران مشاهده می‌شود و در وضعیت دور از تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش می‌باشیم. در مقطع متوسطه بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد. برخلاف مقاطع راهنمایی و متوسطه در مقطع پیش‌دانشگاهی بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر پسران در وضعیت دور از تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد. در مقطع آموزش عالی بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش مشاهده می‌شود. در مجموع مقاطع تحصیلی، بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش و به ضرر دختران در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد.

به بیان دیگر تنها در مقطع ابتدایی برابری جنسیتی حاصل شده است و در مقاطع راهنمایی، متوسطه و آموزش عالی بی‌عدالتی به ضرر دختران و تنها در دوره پیش‌دانشگاهی بی‌عدالتی به ضرر پسران وجود دارد (جدول ۶).

جدول ۶: عدالت جنسیتی در مقاطع مختلف آموزشی در ایران^{۱۴}

جنس / مقطع	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	پیش دانشگاهی	عالی	جمع
مرد و زن	۱۴۸۵۲۰۸۱	۱۲۳۳۰۶۹۵	۱۶۶۶۲۶۷۶	۷۸۴۶۸۶	۱۰۵۰۵۱۳۰	۵۵۱۳۵۲۶۸
مرد	۷۴۹۴۵۵۳	۷۰۴۵۴۰۱	۸۸۴۲۷۱۹	۳۳۴۴۲۷	۵۴۷۷۸۷۹	۲۹۱۹۴۹۷۹
زن	۷۳۵۷۵۲۸	۵۲۸۵۲۹۴	۷۸۱۹۹۵۷	۴۵۰۲۵۹	۵۰۲۷۲۵۱	۲۵۹۴۰۲۸۹
عدالت یا بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش	۰/۹۸	۰/۷۵	۰/۸۸	۱/۳۵	۰/۹۲	۰/۹

۶. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل داده‌ها اشاره به آن دارد که در مجموع (نقاط شهری و روستایی) در گروه‌های عمده سنی ۹-۶، ۱۴-۱۰، ۱۹-۱۵، ۲۴-۲۰، ۲۹-۲۵، ۳۴-۳۰ ساله، در نقاط شهری در گروه‌های عمده سنی ۹-۶، ۱۴-۱۰، ۱۹-۱۵، ۲۴-۲۰، ۲۹-۲۵، ۳۴-۳۰، ۳۹-۳۵ ساله و در نقاط روستایی در گروه‌های عمده سنی ۹-۶، ۱۴-۱۰، ۱۹-۱۵، ۲۴-۲۰، ۲۹-۳۵ ساله، عدالت جنسیتی در آموزش وجود دارد و بیشترین بی‌عدالتی آموزشی در گروه‌های عمده سنی بالاتر از ۳۵ سال مشاهده می‌شود که این امر با یافته‌های پیشین پژوهش اسماعیل سرخ [۱]، آتشک [۲، ۳، ۴]، تودارو [۶]، حسین‌زاده [۸]، خدابخش [۹]، داش-خانه [۱۰]، عزیززاده [۱۲]، کلیدری [۱۷]، مرادی [۲۰]، نادری‌نرم [۲۱]، نبی‌زاده سرابندی [۲۲] و واحدی [۲۴] همسو می‌باشد. همچنین تحلیل مقاطع مختلف تحصیلی اشاره به آن دارد که در مقطع ابتدایی عدالت جنسیتی حاصل شده است و در مقاطع راهنمایی، متوسطه و آموزش عالی بی‌عدالتی به ضرر دختران و تنها در دوره پیش دانشگاهی بی‌عدالتی به ضرر پسران وجود دارد.

نتایج بررسی مطالعات پیشین حاکی از آن است که عوامل موثر بر بی‌عدالتی جنسیتی در آموزش را می‌توان در چهار دسته عوامل خانوادگی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی به شرح زیر طبقه‌بندی نمود:

^{۱۴}. داده‌های اولیه از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ [۲۳] اخذ شده است.

عوامل خانوادگی: به هر میزان اندازه خانواده کوچکتر باشد، شانس دختران برای رفتن و ماندن در مدرسه بیشتر است، یکی از مهم‌ترین ملاک‌های این‌گزینه‌ش، نرخ بازده سرمایه‌گذاری در آموزش فرزندان است که در بیشتر موارد، خانواده‌ها فرزندان پسرشان را برای آموزش می‌فرستند. نکته مهم دیگر، ترکیب خانواده است، نتایج تحقیقات حاکی از آن است که ثبت‌نام دختران در مدرسه تحت تأثیر وجود افراد کوچک و مسن و هم‌چنین تعداد دختران موجود در ترکیب افراد خانواده است. خانواده‌هایی که درآمد مناسبی دارند، امکان بیشتری برای پرداخت هزینه‌های آموزشی دخترانشان دارند. از جمله عوامل مهم در بکارگیری دختران برای کار توسط والدین، می‌توان به توان درآمدزایی آنها برای خانواده و هم‌چنین بازده سرمایه‌گذاری پایین تحصیلات در روستاها اشاره نمود. نتایج تحقیقات حاکی از تفاوت میان اثر تحصیلات پدران و مادران بر آموزش دختران است. سطح تحصیلات پدر بیشتر بر سطح درآمد خانواده و به تبع آن طبقه اجتماعی - اقتصادی خانواده موثر بوده و از این طریق بر آموزش دختران مؤثر است، اما سطح تحصیلات مادر به گونه مستقیم بر دسترسی و موفقیت تحصیلی دختران مؤثر است. انتظار والدین از ازدواج دختران و آثار تحصیلات بر آن، با توجه به گروه‌های درآمدی مختلف متفاوت است: خانواده طبقه متوسط دانش‌آموختگی دختران را زمینه‌ساز ازدواج بهتر آنها می‌داند، زیرا تحصیلات آنها را در اداره موفق‌تر خانه توانا می‌سازد، هم‌چنین امکان ازدواج دختر با خانواده توانگرتر منجر به بهبود وضعیت خانوادگی پدری‌اش می‌شود؛ در خانواده‌های طبقه پایین دانش‌آموختگی دختران پرهزینه تلقی می‌شود، زیرا ازدواج دختری با تحصیلات بالاتر با مرد دارای تحصیلات بالا، منجر به توقع آوردن جهیزیه بیشتر می‌شود که خود بار اضافی مالی بر دوش خانواده است و در خانواده‌های فقیر روستایی به کار عروسان خود در خانه نیاز دارند، بنابراین دختران تحصیل کرده روستایی برای انجام امور خانه مناسب نیستند و این امر امکان ازدواج آنها را محدود می‌سازد، از این رو این خانواده‌ها رغبتی برای فرستادن دختران خود به مدرسه ندارند [۲، ۳، ۴، ۱۸، ۲۹، ۳۱، ۳۸، ۴۱، ۴۲].

عوامل آموزشی: قوانین آموزش از جمله اجباری یا غیراجباری بودن دوره‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر دسترسی و ادامه تحصیل افراد در آموزش است. در ایران نیز در سال ۱۳۸۴ در بند "ب" ماده ۵۲ قانون برنامه چهارم توسعه کشور، برای اولین بار بر اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی تأکید گردید. نرخ ثبت نام در یک دوره، متاثر از نرخ ثبت نام در مقطع پیشین است، از این رو چنان چه دختران در یک دوره دارای نرخ ثبت نام پایینی باشند این امر خود را در مقاطع بالاتر نیز منعکس می‌سازد. عملکرد تحصیلی (نرخ‌های ارتقاء، تکرار پایه و ترک تحصیل) افراد در دسترسی و ادامه تحصیل آنها در مقاطع بالاتر مؤثر است، با اینکه دختران دسترسی کمی به آموزش دارند، پس از ورود به نظام آموزش، عملکرد تحصیلی بالاتری نسبت به پسران دارند [۲، ۳، ۴، ۱۸، ۲۹، ۳۱، ۳۸، ۴۱، ۴۲].

عوامل اجتماعی: دختران شهری به جهت دسترسی آسان‌تر به منابع انسانی، مالی و کالبدی مطلوب‌تر در نظام آموزشی، هزینه فرصت از دست رفته پایین‌تر، طبقه اجتماعی و اقتصادی بالاتر خانواده، نگرش خوشبینانه‌تر والدین به تحصیل آنها، و فرصت شغلی بیشتر به نسبت دختران روستایی، دسترسی و ادامه تحصیل بیشتری در آموزش خواهند داشت. فاصله خانه تا مدرسه هم در تمایل والدین به ادامه تحصیل و هم در امکان دسترسی فرزند به مدرسه اثر دارد، فاصله زیاد به معنای اضافه شدن هزینه ایاب و ذهاب، خوابگاه و اقامت است که چون در اکثر موارد (به ویژه در روستا) پرداخت این هزینه‌ها برای خانواده‌ها مقدور نیست، این امر منجر به توقف تحصیل، به ویژه برای دختران می‌شود، نتایج تحقیقات حاکی از آن است که والدین به جهت مخاطره‌های اخلاقی و جسمی، میلی به فرستادن دخترانشان به مدارس دور از محل سکونتشان ندارند. حتی اگر ازدواج مانعی بر سر راه ادامه تحصیل دختران نباشد، بارداری و زایمان در سنین پایین، نقطه پایانی بر تحصیل دختران است، اثر ثانوی ازدواج و بارداری در سن پایین این است که چون این مادران دارای تحصیلات پایینی هستند، ارزش آموزش فرزندان را به خوبی درک نکرده که این امر منجر به دسترسی کمتر فرزندان (به

خصوص دخترانشان) به آموزش خواهد شد که از این فرآیند با عنوان بازتولید فقر جنسیتی در آموزش یاد می‌شود [۲، ۳، ۴، ۱۸، ۲۹، ۳۱، ۳۸، ۴۱، ۴۲].

عوامل اقتصادی: سهم بودجه تخصیصی به آموزش را می‌توان از منظر بودجه هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تخصیصی به هر دو جنس مورد بررسی قرار داد. آمارها حاکی از وجود تبعیض به ضرر دختران در تخصیص بودجه هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای است. در مناطقی که کشاورزی به شیوه سنتی صورت می‌گیرد، دختران نیروی کار مناسبی به شمار می‌آیند که این امر در میزان ترک تحصیل دختران و عدم دسترسی دختران به آموزش موثر است. از آن جایی که بازار کار جنسیتی است، میانگین دریافت‌های زنان کمتر از مردان است که این عوامل بر انتخاب اولیاء در فرستادن دختران به مدارس، میل دختران به ادامه تحصیل و سرمایه گذاری کشور برای آموزش دختران اثر می‌گذارد [۲، ۳، ۴، ۱۸، ۲۹، ۳۱، ۳۸، ۴۱، ۴۲].

براساس یافته‌ها و تبیین‌های صورت گرفته پیشنهاد می‌شود، مداخلات و سیاست‌گذاری‌هایی از سوی شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه تدوین قوانین لازم صورت بگیرد، همچنین معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور به عنوان متولی تدوین برنامه‌های توسعه و تخصیص دهنده بودجه دستگاه‌های اجرایی با حساسیت بیشتری به این امر همت گمارده و تلاش بیشتری معطوف به حل مسأله نماید. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تجدید نظر در قوانین مرتبط با سن کار، سن قانونی کار را تا پایان دوره آموزش و پرورش افزایش دهد. همچنین قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی با در نظر گرفتن تمامی شرایط اجتماعی، با تدوین قوانینی اجازه ازدواج در سنین پایین را ممنوع سازند. آموزش خانواده‌ها و آگاه‌سازی آنان به اهمیت آموزش و بویژه آموزش دختران گام بسیار مهمی در رفع بی‌عدالتی‌ها خواهد بود که همکاری و مساعدت نهادهای آموزش غیررسمی چون صدا و سیما در این امر، رهگشا خواهد بود.

منابع

- [۱] اسماعیل سرخ، جعفر (۱۳۸۶). بی‌عدالتی‌های آموزشی و بی‌عدالتی‌های فضایی در بعد قومی و منطقه‌ای (مطالعه موردی دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰)، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال بیست و سوم، شماره ۳: صص ۱۰۳-۱۲۴.
- [۲] آتشک، محمد (۱۳۸۶). بررسی کارایی داخلی نظام آموزش عمومی استان‌های کشور و عوامل مؤثر بر آن در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۳] آتشک، محمد (۱۳۸۸). بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش (پایه‌های دوره راهنمایی در مناطق شهری و روستایی استان‌های کشور)، مطالعات راهبردی زنان، سال یازدهم، شماره ۴۴: صص ۷۳-۱۱۰.
- [۴] آتشک، محمد؛ زاهدی، انسیه؛ گرائی نژاد، غلامرضا؛ صدیرا، نگار؛ محمدی، سمیه (۱۳۸۸). تحقق تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش مدرسه‌های طی سال‌های ۹۵-۱۳۵۵، تحقیقات زنان، سال سوم، شماره ۱: صص ۴۱-۲۸.
- [۵] بورک، رابرت (۱۳۷۹). در سراسیمه‌ی به سوی گومورا، لیبرالیسم مدرن و افول آمریکا، ترجمه الهه هاشمی حائری، تهران: حکمت.
- [۶] تودارو، مایکل (۱۳۷۱). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی‌پور، تهران: سازمان برنامه و بودجه (سابق).
- [۷] چابکی، ام البنین (۱۳۸۲). آموزش و جنسیت در ایران، مطالعات زنان، سال اول، شماره ۲: صص ۱۰۰-۶۹.
- [۸] حسین‌زاده، فتح‌الله (۱۳۷۲). بررسی بی‌عدالتی‌های دستیابی به فرصت‌های آموزشی بین مناطق استان بوشهر در سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱، اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر.
- [۹] خدابخش، افراسیاب (۱۳۷۱). مقایسه میزان بی‌عدالتی آموزشی بین مناطق آموزشی استان گیلان در دوره متوسطه سال‌های تحصیلی ۶۷-۱۳۶۶ و ۷۱-۱۳۷۰، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۱۰] داش‌خانه، فاطمه (۱۳۸۰). بررسی عوامل مؤثر در بی‌عدالتی‌های آموزشی در دوره آموزش عمومی به منظور ارائه مدلی نظری برای آموزش دختران، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال هفدهم، شماره ۴: صص ۴۵-۵۸.
- [۱۱] سند ملی برنامه آموزش برای همه (۱۳۸۳). تهران: وزارت آموزش و پرورش.

- [۱۲] عزیززاده هادی (۱۳۶۵). بررسی بی‌عدالتی دستیابی به فرصت‌های آموزشی بین استان‌های کشور در سال تحصیلی ۱۳۶۵-۶۶، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال چهارم، شماره ۳ و ۴: صص ۵۵-۸۷.
- [۱۳] فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷). بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی ایران، آموزش عالی ایران، سال اول، شماره ۲: صص ۹۵-۱۲۲.
- [۱۴] قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- [۱۵] قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴). تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (سابق).
- [۱۶] قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸). تهران: سازمان برنامه و بودجه (سابق).
- [۱۷] کلیدری، محمد حسین (۱۳۷۴)، بررسی میزان بی‌عدالتی فرصت‌های آموزشی در استان خراسان طی برنامه اول توسعه، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۱۸] کینگ، الیزابت (۱۳۷۶). نقش آموزش زنان در توسعه اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- [۱۹] گال، بورگ و گال، مردیت (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران، تهران: سمت و دانشگاه شهید بهشتی.
- [۲۰] مرادی، مسعود (۱۳۸۳). بررسی عدالت فرصت‌های آموزشی در دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن در مناطق آموزشی استان زنجان، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان زنجان.
- [۲۱] نادری‌نرم، عباس (۱۳۷۶). بررسی بی‌عدالتی‌های آموزشی در ۳ مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در سال‌های تحصیلی ۱۳۶۵-۶۶ و ۱۳۷۵-۷۶ استان خراسان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران.
- [۲۲] نبی‌زاده سرابندی، سیما (۱۳۸۴). بی‌عدالتی در فرصت‌های آموزشی استان سیستان و بلوچستان، پژوهش زنان، دوره سوم، شماره ۳: صص ۱۵۵-۱۷۵.
- [۲۳] نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ (۱۳۹۱). مرکز آمار ایران.
- [۲۴] واحدی، محمد توفیق (۱۳۷۷). بررسی عوامل مؤثر در دستیابی دختران به فرصت‌های آموزشی در دوره راهنمایی تحصیلی مناطق آموزش و پرورش استان زنجان، دفتر تحقیقات آموزش و پرورش استان زنجان.

[25] Brennan, J. K (1995), Gender Equity in the Schools. The Delta Kappa Gamma Bulletin, Sum, 15-20.

[26] Education for All by 2015, will we make it? (2008), UNESCO, Paris.

- [27] Human Development Report, beyond scarcity: Power, poverty and the global water crisis (2006), New York, United Nations Development Programs.
- [28] Jones, K; Evans, C; Byrd, R; Campbell, K (2000), Gender Equity Training and Teaching Behavior. Journal of Instructional Psychology, Sep., Vol. 27.
- [29] Kaziboni, T (2000), Picking up Threads- Women Pursuing Further Studies at the University of Zimbabwe. Studies in the Education of Adults, 32, 2: 229-240.
- [30] McCarthy, C; Apple, M (1988), Race, Class and Gender in American Educational Research: Toward a Nonsynchronous Parallel Position. In L. Weis (Ed.). Class, Race and Gender in American Education, New York, State University of New York Press.
- [31] Nelson, M; Ann, S; Stephen, W (2001) Intervention in School & Clinic.
- [32] Oakley, A (1981), Subject Women. New York, Pantheon Books.
- [33] Phillips, A (1987), Feminism and Equality. Oxford, Basil Black Well.
- [34] Sadker, M (1982), Observer's manual for INTERSECT: Interactions for Sex Equity in Classroom Teaching. Washington, D.C., U.S. Department of Education.
- [35] Saito, M (2004), Gender Equality and Education for All: Message from SACMEQ Countries, UNESCO, Paris.
- [36] Sarup, M (1986), the Politics of Multiracial Education. London, Rutledge & Kegan Paul. November.
- [37] Stephan White, C (1999), Gender and Class as Factors in Intercultural Understanding. Paper Presented at the: Conference on Interethnic Coexistence. Educating for an Emerging Global Field. Haifa University.
- [38] Subrahmanian, R (2003), Gender equality in education, Background paper prepared for the Education for All Global Monitoring Report 2003/4, Gender and Education for All: The Leap to Equality, UNESCO, Paris.
- [39] Swirski, S (1990), Schooling for Inequity. Tel Aviv, Israel, Breirot.
- [40] UIS (2006), Gender Parity in Education, UNESCO, Paris.
- [41] UN (2000), United Nation Millennium Declaration, New York.
- [42] UNICEF (2005), EARLY MARRIAGE A HARMFUL TRADITIONAL PRACTICE A STATISTICAL EXPLORATION.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پرتال جامع علوم انساني